

جمعه 30 تیر 1396 - 26 شوال 1438 - 21 جولای

قیام مردم مسلمان ایران به رهبری آیت الله "کاشانی" و به قدرت رسیدن مجدد مصدق (1331 ش)...

**قیام مردم مسلمان ایران به رهبری آیت الله "کاشانی" و به قدرت رسیدن مجدد مصدق (1331 ش)**

وقتی که دکتر مصدق می‌خواست علاوه بر نخست وزیری، وزارت جنگ را نیز برعهده بگیرد، با مخالفت شاه مواجه شد. بنابراین مصدق استعفا داد و شاه هم بلافاصله احمد قوام را مأمور تشکیل کابینه نمود. در این میان آیت الله کاشانی که حضور دکتر مصدق را در نخست وزیری مفید می‌دانست با اتخاذ تصمیمی قاطع، بازگشت مصدق به نخست وزیری را خواستار شد. آیت الله کاشانی تهدید کرد، در صورتی که قوام کنار نرود اعلام جهاد کرده و کفن می‌پوشد و پیشاپیش مردم حرکت خواهد کرد. احمد قوام که مردی وابسته به استعمار و در خدمت دستگاه استبدادی بود، بلافاصله پس از نخست وزیری، نغمه شوم جدایی دین از سیاست را سر داد و لبه تیز حملات خود را متوجه رهبری نهضت یعنی آیت الله کاشانی و نیروهای مسلمان کرد. آیت الله کاشانی با انتشار اعلامیه‌ای به صدور فرمان نخست وزیری قوام السلطنه به شدت اعتراض نمود، به این ترتیب وقایع سی‌ و تیر شکل گرفت و قیام عمومی مردم مسلمان، در شهرهای مختلف ایران آغاز شد. هرچند این تظاهرات به وسیله عوامل شاه به خاک و خون کشیده شد، اما در نهایت، شاه، عقب‌نشینی کرد و چون در رضایت و تطمیع آیت الله کاشانی توفیقی به دست نیاورد، مجبور شد، قوام را برکنار کرده و بار دیگر مصدق را به نخست وزیری مأمور سازد و وزارت جنگ را نیز به او بسپارد. مصدق پس از به دست‌گیری مجدد قدرت، سرلشکر وثوق عامل کشتار مردم بی‌گناه در جریان قیام را به معاونت وزارت جنگ منصوب نمود و چون آیت الله کاشانی به این عمل اعتراض کرد، مصدق در نامه‌ای، از آن روحانی مجاهد خواست تا در امور سیاسی مداخله ننماید. این عمل، پشتیبانی مردم را از مصدق برداشت و دولت مصدق که برای دومین بار در اثر مبارزات پیگیر مردم روی کار آمده بود، بیشتر از سیزده ماه دوام نیاورد و سرانجام با کودتای آمریکایی 28 مرداد سال 1332 شمسی، سرنگون شد.

درگذشت خطیب شهیر و واعظ معروف حجت الاسلام شیخ "احمد کافی" (1357 ش)

حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ احمد کافی یزدی در سال 1307 ش برابر با سال 1347 ق در مشهد مقدس به دنیا آمد. وی پس از پایان دروس مقدمات و ادبیات عرب، به دلیل شوق و علاقه شدید به منبر، به وعظ و ارشاد مردم پرداخت. شیخ احمد کافی در حالی که بیش از پانزده سال از عمرش نمی‌گذشت، در شب‌های جمعه برای صدها نفر از زائران امام رضا (ع) با شور و حال خاصی دعای کمیل می‌خواند و فضایی معنوی ایجاد می‌کرد. وی در شانزده سالگی برای تکمیل تحصیلات علوم اسلامی به نجف اشرف عزیمت کرد و از محضر آیت الله خویی و آیت الله سید اسدالله مدنی و... استفاده برد. از آن پس برای تبلیغ به اکثر نقاط ایران مسافرت کرد و در همه جا مورد استقبال مردم قرار گرفت. حجت الاسلام کافی سرانجام در تهران رحل اقامت افکند و به خدمات دینی و انجام وظایف مذهبی همت گماشت. وی، واعظی متدین و خطیبی غیور و در امور دینی، جدی و بسیار مبارز و مجاهد و در مقابل انحرافات و منکرات و برخورد با تبلیغات مسموم دشمنان دین، مقاوم و محکم بود. این خطیب بزرگ، از به میدان آمدن و مبارزه کردن با بی‌دینان هراسی نداشت و تقیه نمی‌کرد. وی در سفرهای متعددی که به مکه و مدینه داشت، بارها، سخنان مهمی ایراد کرده و از حریم ولایت آل محمد، به ویژه امام علی (ع)، در مقابل خفاشان حقیقت گریز و هبابی، دفاع نموده است. در حالی که بردن نام حضرت امام خمینی (ره)، در دوران حکومت رژیم پهلوی جرم محسوب می‌شد، حجت الاسلام کافی در مجامع عمومی از حضرت امام به بزرگی و عظمت یاد می‌کرد. سرانجام این محب اهل بیت (ع) چند ماه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی درسی تیرماه 1357 در 50 سالگی در سانحه‌ای مشکوک دار فانی را وداع گفت و به دیدار معبود شتافت.

درگذشت مفسر و مورخ شهیر مسلمان "محمد بن جریر طبری" (310 ق)

ابوجعفر محمد بن جریر بن یزید طبری در سال 225 هجری در آمل به دنیا آمد. وی نزد پدر و دایی خود ابوبکر خوارزمی به تحصیل پرداخت و در علوم گوناگون از قبیل فقه، حدیث، تاریخ و تفسیر، علامه‌ای روزگار گردید و از تمامی دانشمندان پیشینی گرفت. امام طبری از پیشوایان فقه، حدیث، تفسیر و... است و در تمامی این رشته‌ها دارای تالیفاتی می‌باشد. تاریخ معروف طبری و نیز تفسیر مشهور کبیر و نیز جامع البیان فی تفسیر القرآن، طرق حدیث الغدیر، تاریخ الامم و الملوك و ادب القاضي از اوست. محمد بن جریر طبری در 85 سالگی در بغداد دار فانی را وداع گفت و در خانه‌اش مدفون گشت.

آغاز جنگ تاریخی "اهرام" بین نیروهای فرانسوی و مصری (1798 م)

با قدرت‌گیری ناپلئون بُناپارت در فرانسه و آغاز کشور گشایی‌های او، ناپلئون قصد حمله به انگلیس را در سر می‌پروراند، اما چون نیروی دریایی فرانسه، توان لازم را برای این کار نداشت، لذا ناپلئون تصمیم گرفت که در خارج

قدم نهادن اولین بشر بر روی کره ماه (1969م)

دهه 1960م را دهه تسخیر فضا و آغاز سفر انسان به فضای کیهانی نیز می‌توان نام نهاد و این عنوان شاید مناسب‌ترین عنوان برای این دهه سرنوشت ساز باشد. دانشمندان فضایی شوروی که در سال 1957م با پرتاب نخستین قمر مصنوعی زمین، در تسخیر فضا پیشگام شده بودند، در سال 1961م نیز با فرستادن نخستین انسان به فضا در این مسابقه، پیشتاز شدند. از این پس رقابت آمریکا و شوروی سابق برای تسخیر فضا شدت یافت و از سال 1966م، مسابقه برای تسخیر کره ماه آغاز شد. آمریکا در این سال سفینه‌های بدون سرنشین بر روی کره ماه پیاده کرد و درصدد اعزام اولین انسان به این کره برآمد. از سال 1968م به بعد، آمریکایی‌ها به طور محسوس‌تری در مسابقه تسخیر فضا بر روس‌ها پیشی گرفتند و اولین انسانی که در سطح کره ماه فرود آمد، یک فضانورد آمریکایی بود. سفینه آپولو 11، در روز شانزدهم ژوئیه 1969م با سه سرنشین به فضا پرتاب شد و پس از سه روز سفر و طی بیش از 380 هزار کیلومتر مسافت در مدار کره ماه قرار گرفت. قسمتی از این سفینه که خود مجهز به موشکی برای برخاستن از سطح کره ماه بود، روز 21 ژوئیه 1969م از سفینه مادر جدا شد و با دو سرنشین بر روی کره ماه فرود آمد. در این هنگام، یکی از آن دو با نام نیل آرمیستراگ، نخستین انسانی بود که بر روی کره ماه قدم نهاد، در حالی که جریان این سفر فضایی را ششصد میلیون نفر به کمک ماهواره‌ها در سراسر جهان تماشا کردند. آرمیستراگ پس از 21 ساعت و 37 دقیقه توقف در سطح کره ماه و گردش و نمونه‌برداری و عکس‌برداری از قسمت‌های مختلف آن، به سفینه مادر بازگشت و نخستین سفر انسان به کره ماه در روز 24 ژوئیه 1969م با مراجعت فضانوردان به کره زمین پایان پذیرفت.

از اروپا، بر انگلستان لطمه زد. به همین دلیل از آن جا که هندوستان مخزن قوای اقتصادی و منبع معیشت انگلستان به شمار می‌رفت و سرزمین مصر نیز در مسیر هند قرار داشت، ناپلئون نقشه حمله به مصر را کشید. در صورت تصرف مصر، هم یک مستعمره بزرگ معادل تمام مستعمرات فرانسه به دست ناپلئون می‌افتاد و هم به عنوان یک مرکز نظامی برای حمله به هند مورد استفاده قرار می‌گرفت. در آن زمان مصر تحت نفوذ امپراتوری عثمانی قرار داشت و توسط امرای مملوک موسوم به ممالیک اداره می‌شد. در نهایت در 21 ژوئیه 1798م، جنگ میان فرانسه و مصریان آغاز شد و علی‌رغم مقاومت ممالیک، ناپلئون موفق به فتح مصر گردید و تا آخر ژوئیه، قاهره نیز به تصرف ناپلئون درآمد. در این هنگام، در حالی که ناپلئون مشغول ایجاد یک ستاد فرماندهی در نزدیکی اهرام مصر بود، قوای دریایی انگلیس، نیروی دریایی فرانسه را در سواحل مصر غافلگیر کرد و قسمت اعظم ناوگان جنگی فرانسه را منهدم ساخت. این مسئله باعث عقب‌نشینی ناپلئون گردید و پس از چندی به کشورش بازگشت.